

اکثریت

نشریه هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۱۴ آبان ۱۳۶۳ برابر با ۵ نوامبر ۱۹۸۴
بها ۴۰ ریال - سال اول - شماره ۳۱

کلبانگ شب شکن

کلبانگ شگفتناک شکران چمنی
کایتگونه شب ستکشان می شکنی
با تو همه بنفشه های می خوانند
بیدارترین ترانه عصر منی

بر موجی از شور و شمع، خبر برگزاری پیروزمندانه پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، با طنین پرشکوه منتشر شد. برگزاری این پلنوم برای همه فدائیان خلق، برای جنبش کمونیستی و کارگری و برای همه مردم رویداد خجسته‌ای است. این رویداد، مظهر قدرتمندی سازمان پر افتخار ما است که به رسم سبحانترین کینه‌توزی‌های دشمنان با گام‌های استوار به پیش می‌تازد. همانگونه که در پیام پلنوم کمیته مرکزی به اعضا و هواداران آمده است "برگزاری پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در شرایطی چنین دشوار و پیچیده که سازمان ما آماج تهاجم و توطئه‌های رنگارنگ تجار و امپریالیسم است. تجسم کاملی از چیرگی ما بر تلاش‌های اهریمنی دشمنان و شمره پرشکوهی از رنج و رزم همساز فدائیان خلق و بیانگر عزم دشمن شکن ما در پی‌موردن راهمان است".

هنگامی که مترجمین کوبه بین، سرمرست

بقیه در صفحه ۱

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی درباره تشکیل پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

در مهر ماه ۱۳۶۳ پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) تشکیل گردید و طبق دستور، همه وظایف محوله را پیروزمندانه به انجام رسانید. گزارشی جامع هیات سیاسی پلنوم کمیته مرکزی توسط رفیق فرخ نگهدار دبیر آن کمیته در این شماره مشتمل بر موارد زیر به اطلاع پلنوم رسیدگان - نگاهی به اوضاع جهان و منطقه - انقلاب ایران و تحولات حکومت جمهوری اسلامی - درباره خط مشی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - فعالیت سازمان در فاصله دو پلنوم

۱. اوضاع سیاسی کشور در حال حاضر - پلنوم پس از شنیدن گزارش قرار انتشار آنرا صادر کردید و طبق دستور، همه وظایف محوله را پیروزمندانه به انجام رسانید. گزارشی جامع هیات سیاسی پلنوم کمیته مرکزی توسط رفیق فرخ نگهدار دبیر آن کمیته در این شماره مشتمل بر موارد زیر به اطلاع پلنوم رسیدگان - نگاهی به اوضاع جهان و منطقه - انقلاب ایران و تحولات حکومت جمهوری اسلامی - درباره خط مشی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - فعالیت سازمان در فاصله دو پلنوم

۰۳. خط مشی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۰۴. اوضاع سیاسی، جنبش‌توده‌ای و وظایف ما این قطعنامه‌ها خطوط اصلی و محوری

بقیه در صفحه ۱

کار ویژه پلنوم، منتشر شد

شماره نهم کار (۵۰ آبان ۶۳) به انتشار اسناد پلنوم همراه کمیته مرکزی سازمان اختصاص دارد. در این شماره کار اسناد زیر به چاپ رسیده است:

- ☆ اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی درباره تشکیل پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
- ☆ قطعنامه درباره انقلاب و حاکمیت جمهوری اسلامی ایران
- ☆ قطعنامه درباره خط مشی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
- ☆ قطعنامه درباره اوضاع جهان
- ☆ قطعنامه درباره اوضاع سیاسی، جنبش‌توده‌ای و وظایف ما
- ☆ برنامه مابرای جبهه متحد خلق
- ☆ پیام پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به مردم ایران
- ☆ پیام پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به اعضا و هواداران
- ☆ پیام پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به زندانیان سیاسی
- ☆ پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
- ☆ پیام پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به کمیته مرکزی حزب توده ایران

خروش ۱۳ آبان دانش‌آموزان، خاموش ناشدنی است

در صفحه ۳

اتحاد شوروی و خاور نزدیک

در صفحه ۹

نامه‌ای از ایران، برای معدنچیان اعتصابی بریتانیا

در صفحه ۲

بلوچستان:

یک تصویر، یک گزارش

در صفحه ۶

جنبش ملی خلق کرد،

دربرابر تهاجمات گسترده رژیم، استوار مانده است

موفقت به مرحله اجرا بگذارد. برخلاف اطلاعیه‌ها "قرارگاه حمزه" مرکز فرماندهی نیروهای سرکوبگر کردستان - که همواره ادعای کسب با آخرین عملیات آن، کار جنبش یکسر شده است، موسوی کمی احتیاط کرد و گفت از اعتراض مقاومت در کردستان "دو صباحی بیشتر نمانده"

بقیه در صفحه ۳

آخرین نمایش تلو بیرونی موسوی نخست وزیر (۲۳ مهر) به اوضاع کردستان، اختصاص دارد. انتخاب این موضوع، اتفاقی نیست. با پایان یافتن فصل گرما، رژیم در مرحله پایانی یک سلسله عملیات علیه خلق کرد قرار دارد و می‌خواهد بر روی این موضوع تبلیغ کند که اکنون می‌تواند برنامه‌های جدید تری را در این زمینه با

صلح، استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی

گلبانگ شب شکن

بقیه از صفحه اول
از قبضه قدرت حکومت، فرمان " انحلال " صادر می کردند، کوی و بوزن را، خانه و کارخانه ها را در جستجوی هر آن کس که دل یا مسردم داشت، می کاویدند، و با توسل به ددمنشانه ترین اشکال سرکوب مذبحانسه می کوشیدند، فدائیان خلق را از رزمیدن در راه خلق باز دارند، نمی توانستند دریابند که انجام کدام کار ناممکن را در پیش گرفته اند و قدم در کدام باطلاق نهاده اند.

برای فدائیان خلق نه آن همه شکنجه و شلاق می توانست سد راه شود و نه پیگرد سازمان یافته می توانست بر اراده پولادین این گردان رزمنده طبقه کارگر خلیلی وارد سازد. در برابر دشمن مضطرب مرتجعین، رزم استوار فدائیان ادامه یافت. فدائیان خلق بی شایستگی فراخور یک گردان کارگری، در راه کارگران و همه مردم به مبارزه شکوهمند خویش ادامه دادند، در سرتاسر کشور حضور سازمان یافته خود را حفظ و تحکیم کردند و نشان دادند که در دل این پیشاهنگ طبقه کارگر چه ذخیره پایان ناپذیری از دلیری و ایامردی و قهرمانی وجود دارد.

در معرکه های از خون و آتش، دلاوری های بی مانند ای صورت گرفت. قربانی های بسیاری داده شد. با اینکه دشمنان مردم نتوانستند، گروهی از فدائیان خلق، این بهترین فرزندان زحمتکشان را اسیر سازند و به خون بکشند، اما نتوانستند به رگم آرزوهای پلیدشان، انسجام کم نظیر سازمان را در هم بشکنند. فدائیان خلق در پیشاپیش کارگران و جنبش خلق بیسه انجام وظایف سترگی ادامه دادند که برای تحقق صلح، استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی در پیش گرفته بودند.

در زمانی که سرکوب وحشیانه، کار مبارزه مردم و نیروهای مترقی را دشوار کرده بود، حضور قدرتمند سازمان در میان مردم، سنگر استواری شد تا در پناه آن مبارزه خلق هم چنان پی گرفته شود. این دستاورد از آن مردم و از آن همه کسانی بود که در راه مردم مبارزه می کردند. سهم بزرگ فدائیان خلق در رویارویی با تهاجمات مرتجعین علیه خلق، توان بیکران طبقه کارگر را متجلی کرده است.

انسجام، گستردگی، رزمجوئی، شتاب و استواری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) در یکی از دشوارترین دوره های حیات پر تشبیب و فراز این گردان طبقه کارگر، خار چشم دشمنان مردم شده است. پرچم رزم کارگران و زحمتکشان که در دست مصمم رهبری سازمان برفراز بام میهنمان برافراشته مانده، نیروی عظیمی را در پیرامون خود گرد آورده است. حول این پرچم ظفر نهان فدائیان خلق با گامهای استوار به پیش، به سوی

پیروزی ره گشودند.

اینک زمانی که بنا دشواری های بزرگ پشت سر گذاشته شده است، در فرازی از این راه، پلنوم کمیته مرکزی سازمان پر افتخار ما، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) برگزار گردید و با پیروزی کامل پایان یافت. تصمیمات و مصوبات پراچ آن شایسته ارگان های رهبری این پیشاهنگ طبقه کارگر برای غلبه بر مشکلاتی است که در راه پیروزی همه مردم، باید از میان برداشته شوند. این دستاورد بزرگ فدائیان خلق، حاصل مبارزه مردان و زنانی است که با سینه های مالامال از عشق و امید در راه آرمان های والای طبقه کارگر و زحمتکشان رزمیده اند. تصمیمات، مصوبات و نتایج پلنوم کمیته مرکزی جراحی است فرا راه طبقه کارگر و همه زحمتکشان. در برتو آن، رزم ما درخشش تازه ای می گیرد.

پلنوم کمیته مرکزی بیانگر عزم آهنین رزمندگان فدائی در پیش راه طبقه کارگر تا پیروزی نهائی است. سطر سطر اسناد منتشره از سوی پلنوم نمود ایمان لاینزال به پیروزی راهمان و اطمینان خلل ناپذیر به رهائسی رنجبران است. با چنین اطمینان و ایمانی به سوی هدف مقدس خود به پیش می نازیم و همانگونه که پلنوم کمیته مرکزی در پیام به هواداران گفته است " سرود سرخ ما، سرود کوبنده کارگران، دیوارهای سکوت را فرو می کوبد و پهنای ایران را فرا می گیرد، چرا که ما بسدی در زندگی از دیوارهای مرگ می گذریم و در ژرفای ظلمت، پذیر آفتاب می کاریم و به سوی پیروزی، بسوی آزادی و پیروزی، بسوی روزنوجش نوروزی پیش می رویم."

اطلاعیه دبیر خانه

بقیه از صفحه اول
ارزیابی ها، سیاست و خط مشی سازمان را معین میکند.

پلنوم برای مبارزه در راه وحدت پیشاهنگ طبقه کارگر ایران به مقابله شالوده اتحاد بزرگ نیروهای خلق اهمیت جدی قائل شد و بر ضرورت آن تاکید کرد. پلنوم وظایف مبارزه در راه اتحاد همه نیروهای انقلابی، دمکراتیک و عد امپریالیستی کشور در جنبه متحشد خلق به منظور پایان دادن به حاکمیت ارتجاع و تشکیل یک دولت ملی و دمکراتیک را معین کرد و برنامه پیشنهادی سازمان برای این جنبه را تصویب و قرار انتشار آنرا صادر نمود.

پلنوم همچنین قرارهای لازم را در باره اصول کار سازمانی در شرایط حاکم بر کشور تصویب کرد و تدابیر مربوط به حفاظت کادرها و شاخه ها، تشکیلات را مورد تأیید قرار داد.

پلنوم کمیته مرکز، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) سپید به بحث درباره پذیرش اعضا و مشاورین تازه و ترمیم کمیته مرکزی پرداخت و در این باره تصمیمات لازم را اتخاذ کرد.

پلنوم همچنین هیات سیاسی و هیات دبیران کمیته مرکزی را برگزید و رفیق فرید نگهدار را مجدداً به سمت دبیر اول کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) انتخاب کرد.

پلنوم در پایان کار خود پیامهای زیر را صادر کرد:

- پیام به مردم ایران
- پیام به حزب توده ایران
- پیام به اعضا و هواداران سازمان
- پیام به زندانیان سیاسی ایران
- پیام به مردم جهان در باره زندانیان سیاسی ایران

پلنوم مهرماه ۱۳۶۳ کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) تمام تصمیمات فوق را با تاق آرا و در فضای رفیقانه و سرشار از وحدت فکری و سیاسی اتخاذ کرد. پلنوم انسجام فکری و وحدت آیدئولوژیکی دستگاه رهبری سازمان را تقویت کرد.

مصوبات پلنوم مهرماه ۱۳۶۳ در گسترش وحدت آیدئولوژیکی و سیاسی در سازمان، در ارائه ارزیابی صحیح از روند انقلاب ایران و ارائه خط مشی صحیح برای مبارزه انقلابی در میهن ما و در تقویت مواضع جنبش کمونیستی و کارگری ایران بی گمان نقشی تاریخی و سرهم ایفا کرده است. مجموعه مصوبات پلنوم مهرماه ۱۳۶۳ کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) راهنمای خلاق و کارساز طبقه کارگر و همه زحمتکشان میهن در مبارزه علیه ارتجاع حاکم، علیه امپریالیسم، برای صلح، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی است.

دبیرخانه کمیته مرکزی
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)
۲ آبان ماه ۱۳۶۳

از پیام پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) به مردم ایران

هم میهنان عزیز!
آیت الله خمینی و دیگر سران جمهوری اسلامی که زمانی از حمایت محرومان صحبت می کردند امروز خانب کلان تاجران بازار را گرفته و از نودست سرمایه دارهای بزرگ را برهستی شما باز کرده اند و از بزرگ مالکان حمایت می کنند. آنها اصول اقتصادی قانون اساسی خود جمهوری اسلامی را نیز به دور افکنده، دولتی شدن تجارت خارجی را لغو کرده و قانون اصلاحات ارضی را باطل اعلام کرده اند. آنها کلان سرمایه دارانی را که انقلاب شما آنها را فراری داده بود و دوباره به کشور دعوت کرده، کارخانه ها، املاک و اموال خلق را به آنها پس می دهند. هم میهنان مبارز! علیه این سیاست ضد مردمی رژیم مبارزه کنید.

خروش ۱۳ آبان دانش آموزان، خاموش ناشدنی است

۱۳ آبان يك روز بزرگ تاريخی در مبارزات مردم میهن ماست. در این روز دانش آموزان به جان آمده از ستم رژیم شاه، در ادامه مبارزات خود تظاهرات گسترده ای در خیابانهای تهران برپا کردند و با خروش خشم آگینشان، دشمن را بسه هراس افکندند. مزدوران رژیم شاه در دانشگاه و خیابانهای اطراف آن، به روی دانش آموزان و دانشجویان، آتش گشودند. دهها جوان و نوجوان به خاک افتادند. مردم بدنهای خون آلوده این فرزندان خود را به روی دست گرفته و برای به نمایش نهادن جنایت دژخیمان، در خیابانهای شهر به گردش درآمدند. جنبش اوج دیگری یافت و فریادها به مراتب خشمگین تر شد. در مقابل اراده پولادین خلق، ضد خلق با آخرین سلاح خود بسه سرکوب قیام کمر بست. دولت شریف امامی مزدور استعفا داد و از هاری خون آشام سکان کشتی درهم شکسته دولت را در دست گرفت.

دولت نظامی بر آن شد تا بی پروا تر جنبش مردمی را به خاک و خون بکشاند. ولی ایسن آخرین تیر ترکش رژیم ستمشاهی نیز در مصاف با اراده توده ها، کارگر نیفتاد.

۱۳ آبان تنها يك نمونه از جنایات شاه

شاه پرستان است. مردم ددمنشی های رژیم ستمشاهی را در صدها ۱۳ آبان فراموش نکرده اند. عوامریبی های کنونی تفاله های این رژیم نیز قادر نیست با استفاده از جنایات حکام جمهوری اسلامی، دستهای خون آلود آنان را در پس پرده های تیرنگ و تزویر، پنهان سازد. مردم ما ددمنشی های این دژخیمان



جنبش ملی خلق کرد، در برابر تهاجمات گسترده رژیم، استوار مانده است

بعد از صفحه اول

است" و " عملیات ایدایی" در کردستان می تواند ادامه یابد.

مردم مادیرگه تکرار این ترجیحات کهنه خو گرفته اند. اکنون بیش از سه سال است کسسه سخنگویان رژیم، هرازگاهی " قاطعیت" ج ۱۰، در سرکوب خلق کرد راد یگر کار سازد استهو دفتر جنبش مقاومت رابسته اعلام می کنند. تکرار مداوم این یاوه ها، خود دلیل قاطعی در اثبات پوچ بودن آنهاست. از اینرو بهتر است اینبار نیز گفته های بعدی موسوی راد رمورد کردستان پاسخ گزاره های فعلی وی گرفته و به این مساله بپردازیم که یورشهای بهارو تابستان امسال چه نتایجی در برداشته که رژیم را اینسان بهلافرنسی و امی دارد.

امسال بین تهاجمات وسیع رژیم در جنبه جنگ با عراق، فاصله ای طولانی پیش آمد. از اسفند ماه سال گذشته تاکنون، حملو وسیعی به خاک عراق در سطح حملات " والفجر" صورت نگرفته است. رژیم از این وقفه استفاده کرد و تمرکز نیرو در کردستان رابه نحوی سابقه ای افزایش داد. تهاجم به مناطق آزاد شده نیرو های پیشمرگ، از اوایل بهار شروع شد و تقریباً دون توقف، ادامه یافت. مقابله باین تهاجم آزمون موثری برای سنجش توان جنبش ملی در دفاعی و بویژه توان نظامی آن بود. با وجود این که مناطق قابل توجه و بعضاً پراهمیتی به تصرف نیرو های سرکوبگر جمهوری اسلامی درآمد، اما نیرو های پیشمرگ متحمل يك ضربه پر دامنه نشدند و به نوبه خود دستاورد شکستهای موضععی چشمگیری رانصب دشمن سازند. اگرچه نتایج

از نظر د و داشت که خصلت غالب عملیات نیرو های پیشمرگ، دفاعی بود.

با برآوردی از تلفات نیرو های سرکوبگر جمهوری اسلامی و موفقیتهای پیشمرگان دلاور کرد در برابر پیشرو بیهای اینجا و آنجا قوا

از قطعنامه پلنوم سازمان در باره اوضاع سیاسی جنبش توده ای و وظایف ما

★ " جنبش ملی خلق کرد که برای تأمین خود مختاری برای کردستان مبارزه می کند، جزه تفکیک ناپذیر جنبش ملی - دمکراتیک مردم ایران است. علی رشم لشکرکشی نظامی مکرر به کردستان، علی رشم بمباران وحشیانه و قتل عام های بیرحمانه مردم بی گناه، رژیم از درهم شکستن جنبش ملی عاجز مانده است. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) لشکرکشی به کردستان و سرکوب وحشیانه مردم قتل عام زنان و کودکان کرد را محکوم می کند. و مردم سراسر ایران را به مبارزه علیه جنایات هیات خاکه جمهوری اسلامی در کردستان و دفاع از خواستهای برحق خلق کرد فرا می خواند. سازمان پیگیرانه از مبارزه عادلانه مردم کردستان در راه کسب خود مختاری پشتیبانی می کند. "

رژیم می توان نتیجه گرفت که یورش اخیر نتوانسته است در توازن نیرو ها، يك تغییر اساسی ایجاد کند.

توازن قوای فعلی در کردستان، منتهجه واقعی مجموعه عوامل دخیل در مساله است.

نباید نتایج یورش کنونی رژیم را مطلقاً با یورش تابستان ۵۸ مقایسه کرد و در مورد روند جنبش نظر داد. اکنون ارتجاع با همه توان حکومت خود به سرکوب جنبش پرداخته است. این عامل، همه فاکتورهای اصلی مؤثر در مساله راد رعایت خود به ایفای نقش و امی دارد. برآیند واقعی نیرو های بالفعل، همان توازنی است که اکنون به چشم می خورد و جنبش مقاومت را اساساً در قفسار جنگ پارتیزانی قرار داده است. این فایز عمدتاً با جنگ جبهه ای همخوان نیست و انحطاط و تحرك فوق العاده و بطور کلی تاکتیکهایی را ایجاب می کند که مضمّن بقای رزمنده جنبش باشند.

در سلسله عملیات بعدی، نیرو های سرکوبگر نخواهند توانست یورش خود در اراهما نجا بگیرند که در حال حاضر مجبورند آنرا کاملاً پیش متوقف سازند. در این مدت، نه رضم نیرو های پیشمرگ، عقب نشینی های معینی به آنها تحمیل خواهد شد. علم به این نکته برای قضاوت در مورد رادیو بعدی کافی نیست. نباید این گمان به وجود آید که توازن قوا، به گونه ایست که مدار پیشرفت - عقب نشینی - پیشرفت، به صورت بسته ای تکرار خواهد شد. باید توجه داشت که در حال حاضر رژیم بعد از تحمل چندین شکست، موثرترین حریره را برای سرکوب جنبش مقاومت، تمرکز نیرو تا حد اکثر امکان، گسترش پایگاههای نظامی و توسل به تاکتیک " زمین سوخته"، تشخیص داده است. نیرو های سرکوبگر، از هم اکنون در تدارک آنند که ایسن طرحهای عملیاتی راد ر یورش های گسترده بعدی، باشدت و حدت بیشتری به موقع اجرا یگازند.

بهره جویی رژیم از تاکتیکهایی همچون کوچ دادن روستاییان، حکایت از استیصال استراتژیک رژیم در کردستان دارد. یکی از شیوه هایی که نیرو های سرکوبگر برای جبران

تشکیل انجمن همبستگی ضدامپریالیستی در اتریش

اتحاد و همبستگی نیروهای انقلابی در سراسر جهان برای مبارزه با امپریالیسم، یاری رساندن به یکدیگر، تجربه اندیزی از مبارزات یکدیگر، افشای توطئه های امپریالیسم در سطح جهانی، انعکاس دادن مبارزات همه خلقها و گسترش روح دوستی و مودت بین ملتها از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

این اتحاد و همبستگی به شکلهای گوناگونی متجلی شده و در سطوح مختلفی تحکیم و مادیت می یابد.

در راستای نیل به این هدف برجسته مبارزاتی، در تاریخ ۱۳ اکتبر در شهر ویین پایتخت اتریش نشستی با حضور جمعی از نمایندگان و اعضای حزب کمونیست اتریش، سازمان جوانان کمونیست اتریش، دانشجویان سوسیالیست اتریش، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، حزب تودما ایران، انجمن دوستی خلقها و ایران و اتریش، کارگران مترقی ترکیه، حزب سوسیالیست کارترکیه، حزب کارترکیه، حزب کمونیست شیلی جنبه انقلابی، چپ شیلی (میر)، جبهه نیروهای دموکراتیک شیلی، اتحادیه کل دانشجویان فلسطینی، انجمن دانشجویان عراقی در اتریش و اتحادیه دانشجویان و جوانان کرد برگزار گردید. در این نشست تشکیلی به نام "انجمن همبستگی ضدامپریالیستی بر ریخته شد". این انجمن در بیانیه اعلام موجودیت خود، با اشاره به سیاستهای تجاؤزگرا و جنگ طلبانه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و حمایت آن از رژیمهای مرتجع در جهان و سرکوب جنبشهای رهایی بخش، ضرورت گسترش همبستگی میان نیروهای انقلابی و ضدامپریالیست را یادآوری نمود و باتوجه به حضور نیروهای سیاسی و سازمانهای انقلابی از کشورهای مختلف که برخی از اعضا و نمایندگان آنها به صورت پناهنده، تبعیدی، مهاجر و غیره در اتریش به سر می برند، هدف خود را تحکیم همبستگی و تشریح مساعی این نیروها را انعکاس و وسیع مبارزات آنها در میان مردم اتریش قرار داده است. این بیانیه همه نیروهای انقلابی و فعال در کشور اتریش را فرا می خواند تا به "انجمن همبستگی ضدامپریالیستی" بپیوندند.

**با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی خود
یاری دهید!**

شاهد ریزش سقف تونلها بودام و دیده ام که با بروز هر حادثه ای چگونه جان دهنها معدنچی زحمتکش ایرانی سودجویی های سرمایه داران میشود. من با زندگی سخت و طاقت فرسای خانواده های کارگران معدن تعاس مستقیم داشته ام و از همین رو با تمام وجود خود احساس میکنم که شما چه میگوئید و چه میخواهید...

معدنچیان ایران بخش قابل توجهی از طبقه کارگر میهن ما را تشکیل میدهند. وضعیت مشقت بار کار و زندگی آنها خارج از توصیف است. آنها مبارزه خود را در شرایط بسیار مشکلی پیش میبرند. حکومت جمهوری اسلامی با خواستهای بحق آنان با سرنیزه، زندان شکنجه و اعدام پاسخ میدهد. آنها دارای یک تجربه طولانی مبارزاتی هستند و مهمبترین دیکتاتورها نیز نمیتوانند صدای آنها را خاموش سازد.

معدنچیان ایران رزم شما را با دقت دنبال میکنند. متأسفانه حلقان موجود اجازه نمیدهد آنها همبستگی خود را با شما علناً ابراز دارند. اما آنان مبارزه شما را مبارزه خودشان میدانند...

من از جانب تعدادی از رفقای معدنچی این نامه را برای شما مینویسم. همه آنها برای شما آرزوی موفقیت دارند و به این وسیله همبستگی خود و همه معدنچیان ایران را با شما اعلام میکنند...

من همراه این نامه معادل هزار تومان برای کمک به صندوق اعتصاب شما میفرستم. من خود به علت مبارزه با سرمایه داران زالسو صفت و دولت حامی آنها از معدنی که در آن کار میکردم اخراج شده ام و لذا نتوانستم به دلیل دست تنگی و نیز گرانی ارز خارجی بیشتر از اینها به شما کمک کنم. به همین لحاظ از شما پوزش می طلبم.

در مقابله با آن ۱۳ آبان آفریده شد، بـ مدرسه سلطه یافت.

رژیم جمهوری اسلامی نمی تواند درخشش روزی چون ۱۳ آبان را منکر شود اما می کوشد آن را از مضمون تهی سازد. دانش آموزان را به تظاهرات وامی دارند اما نه برای بزرگداشت این روز و نه برای زنده نگه داشتن شعارهای این حرکت شور آفرین. آنها می توانند تظاهرات کنند به شرطی که شعارهای ارتجاعی و جنگ طلبانه ندهند.

مبارزات دانش آموزان که بعد از انقلاب نیز به نحوی استوار ادامه یافت نشان دهنده رسوخ آرمانهای ۱۳ آبان و آرمانهای بنیادی انقلاب در اذهان سازندگان فردای میهن ماست. این آرمانها زنده اند و هنوز علی رغم خفقانی که بر سرتاسر میهن ما دامن گسترده است، شور و حرکت می آفرینند. خروش ۱۳ آبان و ۱۳ آبانها خاموش ناشدنی است.

نامه ای از ایران برای معدنچیان اعتصابی بریتانیا

رفقای گرامی هیأت تحریریه نشریه اکثریت!

درود های کمونیستی و انقلابی مبرهنه میرسد. نشریه "اکثریت" به طور مرتب بعد ستمی رسد. این نشریه حق زبان گویای انقلابی و کمونیستهای ایرانی در خارج از کشور است و به درستی مبارزات مردم میهن ما و مردم سراسر جهان را انعکاس می دهد.

من افتخار دارم که عضو سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) هستم و رد امن این سازمان مبارزه در راه پیروزی طبقه کارگر، عشق به میهن و انترناسیونالیسم پرولتری را آموختم. از شما درخواستی دارم: از طریق نشریه "کارو اکثریت" و نیز رادیوهای انقلابی در جریان مبارزات معدنچیان مبارز انگلستان قرار گرفتیم. آزان نظر که خود در معدن کار می کردیم، مبارزات معدنچیان اعتصابی انگلستان را با دقت ویژه ای دنبال می کنیم. من و صیغه خود دانستیم که با ارسال پول مختصری از این اعتصاب حمایت کنیم. خواهش من از شما این است که این کمک مالی را با نامه ای که برایتان نوشته ام بدست آنها برسانید.

با درود های آتشین
ب. ۶۳/۷/۲۵

قسمتهایی از نامه رفیق ب. به معدنچیان بریتانیا معدنچیان مبارز معدن ذغال سنگ بریتانیا! من این نامه را از ایران برای رساندن مینویسم. من اعتصاب پرشور شما را از طریق رادیوهای مطبوعات مترقی جهان دنبال میکنم. از یاری شما غرق در شادی میشوم. مبارزه شما به طبقه کارگر همه کشورها و همه نیروهای که در راه رهایی پرولتاریا میروند، نیرو و نشاط میدهد. معدنچیان مبارز! من یک زمین شناس ایرانی هستم و تاکنون بیش از ده سال از عمرم را در معدن سر کرده ام. من از نزدیک با کارمشت بار و سخت شما آشنایی دارم بارها

خروش ۱۳ آبان

بغید از صفحه ۳

را با گوشت و پوست خویش، احساس کرد هانند. هدف مردم از حماسه هایی چون ۱۳ آبان آن بود که برای همیشه به کشتار و سرکوب خلق پایان داده شود، اما خائنان به انقلاب بیه این آرمانهایی که انقلاب را پدید آورد، پشت کردند. اکنون بسیاری از همان کسانی که ۱۳ آبان را آفریدند به جرم تعهدشان بیه انگیزه ها و آرمانهای همین حرکت انقلابی پا درینند و یا به جوخه اعدا ام سپرده شده اند. بسیاری از همان دانش آموزانی که با شور عمیق انقلابی خود در ۱۳ آبان به مصافی دلورانه با مزدوران رژیم شاه پرداختند، بعد از انقلاب، به دلیل حفظ همان شور و روحیه، از تحمیل محروم گردیدند. سخن گفتن از آزادی مجدد در مدارس ممنوع شد و باز همان خفقانی که

کارنامه جمهوری اسلامی در مراکز آموزشی، سیاه و ننگین است ⑥

جو ضد علمی موجود در دانشگاهها و ادامه اخراج استادان پیش از پیش مراکز آموزش عالی را از یاد رهای علمی تهی ساخت. فعالان ما پیشا بودن مشتکی کور ذهن مرتجع بعنوان "شوراها" پذیرش "ویا" هیاتهای تشخیص صلاحیت که فقط منجر به اخراج و یا انصراف از تدریس بخش بزرگی از استادان مبارز و انقلابی و دگراندیش گشت، بلکه جمع کثیری از آنان به دلایل دیگر و گاه "مضحک" مورد تصفیه قرار گرفتند. دیده شد که استادان از رשמندی در یک رشته فنی، بخاطر سوز زدن در راهرو دانشگاه اخراج گشت و یا استاد دیگری در درس بیولوژی به دلیل استقبال بیش از حد دانشجویان از درس و مقبولیت وی در این میان بودند استادان و کارکنان فرصت طلبی که با آغاز ارزش روشنفکری برجانه و ادامه دادن پاته ریش رشد یابنده و پیراهن سفید تمکه یقه بسته به سرعت مقامات و مناصب دانشگاهی و وزارت فرهنگ و آموزش عالی را اشغال کردند.

بهر حال، اکنون رژیم با بحران حاد در زمینه کمبود کادر علمی و آموزشی در دانشگاهها روبروست و گسترش "عقلانیت" بورژوازی در میان این خائنین به خلق، آنان را ریزه ریز بیشتر به عقب روطه ای که خود را در آن گرفتار کرده اند، آگاه می سازد. و در این رابطه در و ره گردیهای آنها جهت جذب متخصصین خارج از کشور، استخدام استادان هندی و پاکستانی و دوره های متعدد و رسما شکست خورده "تربیت مدرس"، هیچکدام نتوانسته است این بحران را تخفیف دهد.

اما "شاه" کار جمهوری اسلامی در عرصه آموزش عالی که هدف اصلی رژیم از "انقلاب فرهنگی" و تعطیلی دانشگاهها را تشکیل می داد، باید در تلاش برای تهی کردن دانشگاهها از دانشجویان مبارز و انقلابی و اخراج و تعطیل گسترده آنان دانست. برای اینکار برنامه ریزی در از مدتی صورت پذیرفت. رابطه گسترده و تنگ تنگی بین ارگانهای سرکوبگر و اطلاعاتی رژیم و عوامل و یاد دیش در میان دانشجویان برقرار گشت. این برنامه ریزیها و اقدامات در چارچوب سیاست عمومی رژیم در سرکوب و پیگرد نیروهای مترقی و انقلابی و به شکل زندانی کردن و درمورد بسیاری اقدام دانشجویان انقلابی خود را به نمایش می گذاشت که پس از بازگشایی دانشگاهها و مدارس عالی، اخراج و تعطیل دانشجویان نیز به آن اضافه گشت.

در تمام مدت تعطیلی دانشگاهها، ایادی رژیم، تا حد امکان به جمع آوری اطلاعات و تجسس در مورد دانشجویان پرداختند. چنانچه دانشگاهی، "دفتر تحکیم وحدت" و "ستاد امواج جریانی انقلاب فرهنگی" بخش مهمی از نیرو و

فعالیت خود در راه این امر اختصاص دادند. در هر دانشگاه و دانشکده هیاتهای متمرکز گشت که بعد ها نام "شورای پذیرش" را بر خود نهادند. به این دلیل که بخشی از فعالین سازمانها و گروههای سیاسی را دانشجویان تشکیل می دادند رابطه نزدیکی بین شکنجه گاههای رژیم بویژه دادستانی مستقر در زندان اوین و ارگانهای تجسس در دانشگاهها برقرار گشت. گروهی از بازجویان و شکنجه گران اوین را تعدادی از دانشجویان انجمنهای اسلامی تشکیل می دادند و می دهند و مقابل خود این انجمنها به ارگانهای اجرایی جاسوسی نهادهای سرکوبگر رژیم بدل شدند.

پس از ۲ سال و نیم توقف فعالیت آموزشی در دانشگاهها و مدارس عالی، در نیمه دوم سال تحصیلی ۶۲ - ۶۱ برای دانشجویانی که کمتر از ۲۵ واحد به پایان تحصیلشان باقی بود و سال بعد برای سایر دانشجویان، اعلام بازگشایی شد. این بازگشایی شامل رشته های فنی - مهندسی، پزشکی و کشاورزی شد و دانشکده ها و رشته های مربوط به علوم انسانی کماکان بسته ماندند.

برای تکمیل پرونده های اطلاعاتی جهت پیگرد پلیسی و شناخت عقاید، پرسشنامه هایی در اختیار تمامی دانشجویان قرار گرفت. این پرسشنامه مشتمل بود بر سؤالاتی در مورد سابقه فعالیت سیاسی و وصفی دانشجویان چه در رژیم شاه و چه رژیم کنونی، آدرس و کوی محل سکونت، نام و نشان فامیل و دین و آشناس، نظردر مورد مسایل مختلف اجتماعی و... تمامی دانشجویان مجبور به پرکردن این پرسشنامه شدند.

در رشته ها و دانشکده های بازگشایی شده به تفاوت و بطور متوسط از ثبت نام نزدیک به ۱۰۰ دانشجویان معانعت بعمل آمد. برخی از آنها اخراج شده، و ادامه تحصیل برخی دیگر به حالت تعلیق درآمد. بسیاری از دانشجویان محروم شده ترمهای آخر تحصیل خود را می گذرانند و حتی موارد زیادی دیده شد که دانشجویانی تنها از راه پایان نامه آنان باقی مانده بود. چه بسا دانشجویان سال آخر پزشکی که دوران "انترنی" خود را می گذرانند و ویجا دانشجویانی که چند واحد آنها باقی مانده بود، از تحصیل محروم گشتند. در چندین مورد توقیف پایان نامه تحصیلی و یا حتی لغو دانشنامه فرد فارغ التحصیلی که دوران سربازی را می گذرانده دیده شد.

از آنجا که بسیاری از اطلاعات، بر اساس ذهنیات و حدس و گمان جاسوسان رژیم در دانشگاهها جمع آوری شده بود، نمونه های زیادی از اعلان اشتباه اسمی، اخراج دانشجویان شهید شده بدست رژیم شاه،

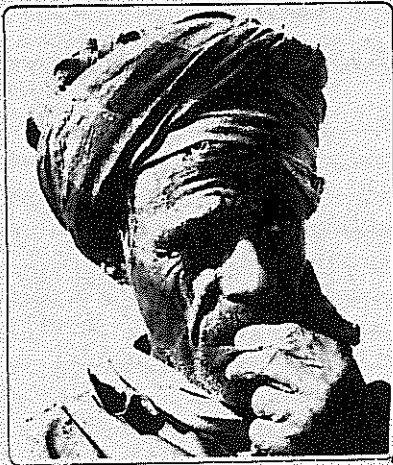
محرومیت از تحصیل دانشجویان مطلقا غیر سیاسی و یا اخراج فارغ التحصیلان سالها قبل از آن، دیده می شد. شوراها پذیرش و شورای مرکزی پذیرش مستقر در "ستاد امواج جریانی انقلاب فرهنگی" که از عوامل قسری، ضد انقلابی و فرصت طلب رژیم انباشته شد در کلیه دانشگاهها و مراکز آموزش عالی خود را مخفی کرده و از معرض شناسایی، قضاوت و اعتراض دانشجویان دور ساخت. روسای تمام دانشگاهها و مدارس عالی رندانشه خود را از مسئولیت اخراجها مبرا و آزاد ریحیطه مسئولیت "شورای پذیرش" غیبی اعلام کردند. به دنبال گسترش اعتراضات دانشجویان و خانواده های آنان، اینجواب آنجا بر بخشی مسئولین و شخصیتهای جمهوری اسلامی برای لاپوشانی و کاستن از عریانی اقدامات انجام یافته، سخنانی ایراد کردند. تدابیری نیز در جهت تخفیف فشار دانشجویان اتخاذ گشت که آرایه آئیننامه مربوط به دادن فوق دیپلم به برخی از دانشجویانی که بیش از ۷۰ واحد درسی را گذرانده اند، از آن جمله است.

در ادامه تمهیدات ارتجاعی سرکوبگرانه رژیم در دانشگاهها که با هدف دستگیری فعالین جنبش دانشجویی و نیز شکستن شخصیت انقلابی دانشجویان صورت پذیرفت، ارسال نامه هایسی بود برای اکثر دانشجویان تعلیقی و یا اخراجی که برای تعیین تکلیف، خود را در تهران به دادستانی مستقر در زندان اوین و در شهرستانها به مراکز اطلاعاتی سیاه معرفی کنند. برخی از دانشجویان مراجعه کننده در دستگیر و در مورد بقیه ضمن بازجویی های مکرر و توهین و ارباب تلاش نمودند که از آنها توبه نامه و تفرغ نامه نسبت به گروههای سیاسی اخذ کنند. بسیاری از این دانشجویان هیچگونه فعالیت سیاسی مشخص گروهی نداشتند.

با افزایش شناخت رهبران جمهوری اسلامی از افراد و طرز اقدام و نشان توسط توده های مردم و درک لزوم استتار اینگونه اقدامات آشکار ضد مردمی و نیز درک نیاز به متحصصانی در راه اندازه گیری قضاوت و رشکستنه و وابسته، تلاش می شود فجایع انجام یافته در مراکز آموزش عالی را تا حد افراط کار بهایی ناشی از "برخورد خشک" و عدم انعطاف برخی دانشجویان دست اندر کار این امر تخفیف داده و به نوعی گریبان خود را از بار خشم مردم در این زمینه برهانند. اما کیست که نداند تمامی رهبران و دست اندر کاران آموزشی رژیم با ننگی تفاوت در نحوه برخورد، در تمام سیاهکارهای انجام یافته در دانشگاهها از آغاز "انقلاب فرهنگی" تاکنون شریکند و کیست که نداند این سیاهکارها بخشی از اقدامات عمومی حکومت است در پایمال ساختن حقوق فردی و اجتماعی مردم ایران.

اکنون دانشجویان تعلیقی مجبورند در مقابل "دادگاه و ویژه دانشگاه" حضور یافته و در صورتیکه از اتهاماتی نظیر داشتن افکار و بقیه در صفحه ۸

بلوچستان: یک تصویر، یک گزارش



بلوچستان را چه کسی ویران کرده است؟
آن باد آتشناک مسموم که از دل اقیانوس
برمی خیزد، دشت ساحلی را درهم می نوردد و
بالهیب سوزنده خود کوهساران خشکسوده
فلات بلوچستان را خشکیده ترمی سازد، نتوانسته
است خلق بلوچ را در چنبره خود اسیر کند. این
قوم سرسخت آن رابه پس، به سوی شمال
می راند و در دل کویر خراسان مدفون می کند.
بلندای امواج دریای عمان، آن هنگام که غببنا
طوفان می کند، نتوانسته است ماهیگیر بلوچ
را به تسلیم بکشاند، اگرچه از بی این کشتن هر
باره چشمان بی فروغ بیکرهای بی جان گروهی
صیاد، در میان ضجه سوزناک زنان بلوچ،
پرداختن شن زار کناره دریا، عمق افق را در جستجوی
آرامش می کاوند. نه خاک خشکیده دشتهای
داخلی، نه دم و دود عفونت زای "تفتان" و
نه چرخش تیز دانه های شن در گردباد کویر،
هیچیک نتوانسته است براراده استوار زخمکش
بلوچ، در ستیز با آنچه که نباید باشد، غلبه
کند. اما با اینهمه سرزمین خلق بلوچ ویرانیه
و تکه پاره شده و مردم بلوچ در این سو و آن سو
کویر، آن سو و این سو کوه و دریا آواره
مانده اند.

به گواهی تاریخ، هر قدراره بندی کسه
گذری بر این گوشه گیتی کرد، غریبه شلاقی بر
پیکر افغان خلق بلوچ نواخت. از زردان تا جادار
ایران و افغانستان و هندوستان گرفته تا دزدان
ناجدار و بی تاج آنسوی دریاها، همه روی از خون
در این سرزمین فلاکت زده برجای نهادند و هر
آنچه را که در چنگشان جای می شده به غارت
بردند. هر بار که قشون سلطانی از بلوچستان
خارج می شد، همه چیز را با خود به یغما
می برد و در برابر نگاه درد مند انسان بلوچ،
آن چه که برجای می ماند چنان بود که گویی
کرور کرو رسته ملخ، سرتاپای این خطه را
در هم نوردیده است. آنگاه یک بار دیگر همه
چیزی بایست از اول آغاز می شد.

حتی سلاطین پوشالی قاجار هم
در بلوچستان عرصه ای برای خود نمایی هسای
نادرمانانه جستجو می کردند. قشون خاقانی،
چوپان و دهقان بلوچ را گردن می زد و در بارگاه
سلطان با مطراق فتحنامه خوانده می شد. در
نوبت دو دمان پهلوی نیز بر قوم بلوچ همان
رفت که پیش از آن رفته بود. رضاخان و پسرش
نه تنها دنبال کننده، که تکمیل کننده ستمی
بودند که در همه اعصار بر این خلق روا شده بود.
از این روست که سرزمین خلق بلوچ ویران شده
تکه پاره شده و مردم بلوچ در این سو و آن سو

کویر، آن سو و این سو کوه و دریا آواره
مانده اند.

دوباره اصلی تن بلوچستان، در ایران
و پاکستان در کنار یکدیگر، از یکدیگر جدا مانده اند.
تا چند دهه پیش، بلوچستان پاکستان را بلوچستان
انگلیس می نامیدند و جزئی از نایب السطنه نشین
هند بود، که بخش اصلی امپراطوری بریتانیا
کبیر را تشکیل می داد. اینک دنباله نامش
دگرگون شده است، ولی برای خلق بلوچ در
پاکستان، هیچ چیز دگرگون نشده است.
بر او همان می رود که پیش از این می رفت.
خون یغما سردارها، آن بار در رینه ارتش
امپراطوری حفظ می شد. و این بار در رینه سربازان
حکومت های نظامی.

بخشی از خلق بلوچ در آن سوی هیرمند
در خاک افغانستان جا گرفت و اینک در اشتیاق
نور، در رینه حکومت انقلابی، رهایی و سعادت
را تجربه می کند.

گروهی از زخمکشان بلوچ در جستجوی
قوت لایموت، سواری بر کچی های کهنه از آبهای
دریای عمان گذر کردند و پراکنده از یکدیگر بیرون
دور از سرزمین آبا و اجدادی، در مسقط و عمان
در اربو طبی و راس الخیمه و تابه کویست آواره
شده اند. آنها به کاوندگان طلای سیاه در
شترزهای داغ صباری بدل شده اند. اما
شلاق هم چنان برگردد شان فرو می آید.
اینبار یادست امیران و شیوخ متفرع و هرزه.

در ایران از هوران و کوهساران سراوان
تا کویر و باطلاق جزموریان، از آبهای دریای
عمان تا خاک سیستان و در خاک سیستان تا
کرانه هامون، قوم بلوچ پراکنده شده است و
فراتر از آن در این گوشه و آن گوشه سرزمین
پهنای خراسان تا و در دست شمال خاوری،
در سرخس، در این قوم زخمکش برجای مانده
است.

برهه آنانی که چه در سرزمین بلوچستان
گرد آمده اند و چه آنانی که در خاوران میهن ما
پراکنده شده اند، ستمی واحد روا شده است.
ستم شاهان، خوانین و سردارها چنان زندگی
را بر مردم بلوچ سیاه کرده است که در برابر
آن لهیب شعاع سوزنده آفتاب بر مرز خشکیده،
سیاهی رمه های بیکرانه ملخ در نخلستان هسای
بی بارو بر شده به هیچ می ماند. بسا هنگام سهم
ملخ از چپاول کشتزار دهقان بلوچ، تنها ساق
و بزرگی بود که در بی غارت خان و سردار، برجای
مانده بود.

زندگی مردم بلوچ رانه لهیب مسموم
"بادجن"، که خان و سردار به آتش کشیده اند.
از ستم سردارها، بر هر وجه این سرزمین بسلا

کشیده، نشانهای برجاست. چنان بی پرواستم
کرده اند، چنان لگام گسته زخمکش بلوچ را
غارت درده اند که پشت او را خم کرده، شیره جان
را کشیده و نفس را بریده اند.

بادهای گرمی که از آن سوی خست
استوا، از آبهای داغ اقیانوس هند برخاسته
و هجوم خود را آغاز می کنند، چنان توفنده
می و زند که چیزی از جان و مان ماهیگیران خاشیه
اقیانوس بر جانی گذارند. آبادیهای کناره
دریا، در سواحل جنوبی میهن ما را این بادها
در طی قرون ویران کرده اند، از لنگه تا جاسک
و تا گوآتر. دریا و مردم سواحل، در این
بادهای ویرانگر چنان خاصیت مرکباری نهفته
است که درون آدمی را نیز ویران و پریشان
می سازد. گویی که باد مسموم از منف تن
می گذرد و شراره آن جان را به آتش می کشد.
این بادها را "بادجن" می نامند. جس زده
نفرین شده، همان انسان پریشانی که زالوهای
جامعه او را بی پناه در چنبره طبیعت سرسخت
رها کرده اند، بر زمین دراز می شود، در خسو
می پیچد، همچون یک صرعی کف بر لب می آورد،
عضلات متقبض تن در یکدیگر پیچیده می شوند،
رنجی مهیب در سینه می نشیند و دردی بی حساب
از نوک سرتا انگشتان پارادرمی نوردد و او را از
پای می اندازد.

رهایی انسان زخم دیده از آفت بادجن
را در گروه مراسمی می دانند که طی آن بانالسه
سازر کو بش طبل، و با سوزنی که باطنیسن
بم خوانده می شود، بیمار نرم نرم از جاسای
برمی خیزد، و وقتی که ضرب دست طبل تن
می شود، ترنم سرود تندی می گیرد، عضلات
تن بیمار آهنگ تازه ای می یابد، به تقلا در می آید
چرخش دست لنگر تن می شود و پارمین استوار را
دیگر بار در می یابد. رقصی آغاز می شود و سر
خورجانی که از مسموم بادجن رهیده است.

بالاخره اید و دست غریب کو بش طبل
انقلاب برخاست. آرام آغاز شده بود و با شتاب
تندی گرفت. از دره ها و صحاری بلوچستان

گذر کرد . اضطراب بر جان سردارها چیره شد ، گوش دهقان و جوانان بلوچ تیز شد . چشمان او با فروغی تازه ، سرخی گلگون افق را نظاره کرد ، لبخندی که در اعصار و قرون از چهره او گریخته بود ، عضلات چهره اش را آذین داد ، رقص رهایی آغاز شد . پشت خمیده از باران همه ستم ، راست شد و پاهای لاغر استواری خود را بر ایستادگی یافت .

وقتی که انقلاب آمد ، زمین زیر پای خوانین سست شد ، برخی گریختند و برخی یاد لهره ماندند . در دل بلوچ زحمتکش همه آرزوهای سرکوب شده بیدار شد ، شوق رهایی از آفت خان و آزان همه ستم ، جانش را گرم کرد . همه وجودش از امید لبریز شد .

چندی نگذشت که تردید آغاز شد . خوانین گریزی با زگشتند و ماندگان استوار شدند . امید بلوچ دبیر رنگ باخت . بایک درنگ ، ستم تاریخی امتداد یافت . دنیا به کام دشمنان مردم شد . رنگ سرخ افق یک بار دیگر تیره گسود کردید . گله های انبوه ملخ یازهم بر حاصل زحمتکش بلوچ فرود آمدند .

بریار مانده آن همه ستمی که در تاریخ بس خلق بلوچ رفته بود ، تلخی سردخیانت تازه افزود . بر چه ارگوشه بلوچستان ، راسک و آهوران ، بمپو و سراوان ، نیک شهرو قهرمند ، مهرخیانت خائنان حن بسته است . فنوچ یک جلوه آن است . بران نظری افکتیم :

فنوچ ، یک چهره از بلوچستان

روستای دور افتاده فنوچ در جنوب خاوری مین ماد رفق سرزمین فلاکت زده بلوچستان قرار دارد . این روستا در حوزه شهرستان ایرانشهر و از توابع بخش داری بمپو می باشد . با آبادیهایی پیرامونش نزدیک به ده هزار تن جمعیت دارد . بزرگی این روستا به گونه های است که با معیارهای بلوچستان به شهری می ماند اما هیچ چیز آن بایک شهر نمی خواند . مجموعه ای است از آلونک های مخروبه ای که در کنار یکدیگر چیده شده اند و دیگر هیچ .

اگر در فنوچ ارتاسیسات شهری و امکانات رفاهی مطلقا نشانی دیده نمی شود ، اما واحدهای سرکوب آن را فراموش نکرده اند . حضور دولت از طریق تاسیس واحد بسیج از سوی سپاه پاسداران به نمایش گذاشته شده است . این هفت سیم فنوچ اردو و مرکز است . واحد بسیج راهمین چندی پیش در فنوچ مستقر گردانند . دولتی ها اکنون نیازه آن را از هر زمان دیگری بیشتر احساس می کنند . بسیج " مستضعفین " فنوچ در تحت سرپرستی محمد عمرخان محمدی قرار دادند . او از خوانین مزدور و بدنام منطقه است و داماد خان بزرگ منطقه فنوچ ، بهرام خان شیرانی است .

با سرپرستی این خان بر اصلی ترین ارگان امنیتی منطقه ، خوانین بیشتر از همیشه آسوده خاطر شده اند . آن عده ای که از ترس انقلاب به خارج گریخته بودند و یاد رستیز با انقلاب ، با تفنگ چپ هایشان به کوه زده بودند ، یک بمیک

برمی گردند . هر چه می خواستند باردیگر فراهم شده و هر آن چیزی که نشان انقلاب را در خود داشت ، توسط رژیم جمهوری اسلامی از میان رفته است . حالا باید " همه باهم " این رژیم را پاسداری کنند . جماخان محمدی به قنویج برگشت ، عبدالله خان مبارکی هم برگشت ، . . .

جماخان را روستاییان فراری داده بودند . روستایی بلوچ با پیروی انقلاب فرصتی یافت تا کینه دیرینه خود را علیه خوانین نشان دهد . عرصه را بر جماخان تنگ کرده بودند . خان ناگزیر به کوهستان گریخته بود . حالا برگشته است تا با محمد عمرخان و دیگر خوانین ، بساط پیشین را احیاء کند .

عبدالله خان مبارکی وقتی که رو بسط مستضعفین با اعضای خاندان پلید پهلوی فاش گردید ، صلاح دانست بود منطقه را ترک نماید . پس از چندی محمد عمرخان به او فهماند که هراسش بیهوده است . به اتفاق هم به مقر سپاه پاسداران ایرانشهر رفتند . مسئولان سپاه در برابر خان ، شرط ادب را به جا آوردند . خان به فنوچ برگشت و از فرماندهان عملیات بسیج گردید . اما او خود می دانند که مردم چه کینه ای از او به دل دارند .

می گوید چندان در معا بر آفتابی نشود . عبدالله خان داماد کتر ملک فد انقلابی سرشناس بلوچستان می باشد که از مسئولان ساواک استان بود . حالا جمعشان جمع شده است .

محمد عمرخان محمدی هم از فعالین ساواک ایرانشهر بود و با فرمانده رئیس ساواک این شهر همکاری داشت . او و جماخان محمدی که یکی از بی دیگری رئیس تعاونی روستایی فنوچ شده بودند ، برخورد از اقدرت ساواک ، هر چه را که به نام روستاییان اریزمی شد ، بساط می کشیدند . محمد عمرخان خود اعتراف دارد که یک قلم دو میلیون ریال از پولهای تعاونی را زدید . با انقلاب ، زحمتکشان بالاخره توانسته بودند از شر این زالوها رهایی یابند . تعاونی ده روستاییان خود در دست گرفتند و دفتر را برای سرپرستی آن برگزیدند . اینک کسه

باردیگر ناد بر بر برق خوانین می وزد ، آنها چشم طمع بر تعاونی روستایی دوخته اند . از مقامات رسمی در ایرانشهر درخواست تائیدهای سرپرستیهای برگزیده روستاییان را جاو کنند . اما وقتی مقامات مسئول ، از شهر برای انجام این خواسته خوانین وارد فنوچ شدند ، با اعتراض یکبارچه زحمتکشسان رو برو گردیدند . قاطعیت زحمتکشان انسان رابادست خالی به شهر بازگرداند .

همچنان نفرت از خان نیرو مند است . نمی توان هر کاری را به آسانی پیش برد . در اجتماعات مردم و حتی در راه پیمایی های دولتی هنوز هم شعار " مرگ بر خان " داده می شود . چند ماه قبل در یکی از راه پیمایی ها ، رئیس جهاد سازندگی به مردم گفت : " شعار مرگ بر خان ممنوع شده است . به جای آن باید تنها شعار مرگ بر شوروی و مرگ بر اسرائیل داده شود . " رئیس جهاد می دانند که اکنون شعار مرگ بر خان ، به معنی مرگ بر همه کسانی است که با خیانت به انقلاب ، خاتهای فراری را باز گردانده اند .

بسیج " مستضعفین " با رهبری خانها ، عرصه را بر مردم فنوچ تنگ کرده است . هر بار برای آزار مردم بهانه تازه ای می یابند . اخیرا دستور دادند ، استحمام مردم با آب قنوات و شهرها ممنوع می باشد . فنوچ فاقد حمام است . زنان و مردان فنوچ برای شستشوی تن خود به بیرون روستا ، به میان آب شهربانات می رفتند . بسیج مدعی شده که این روش شستشو ، با معیارهای شرعی منافات دارد . به این ترتیب ، در حقیقت مردم بکلی از شستشوی تن خود منع شده اند . خانه های فنوچ فاقد حیاط و دیوار بیرونی است . حیاط خانه مردم همان کوچه های روستاست . جایی برای استحمام در منزل وجود ندارد . اما این مهم نیست ، مهم این است که با سر نیزه بسیج ، معیارهای رژیم به مردم تحمیل شود .

در فنوچ و روستاهای پیرامون آن ، مثل دیگر نقاط بلوچستان ، افرادی هستند که از طریق دهل زنی امرامعاش می کنند . دهل یک آلت موسیقی محلی و دهل زنی یکی از رسوم قدیم



قدیم



گاهی "خودبیا" هم لومی دهند

موسوی اردبیلی:
 ".... گاهی خودبیا اشتباه می کنند این حرفه را می زنند، دیشب يك نفر آمده به من می گوید فلان کس، ما شنیدیم لیلای هوید ابرگشته مال او را هم پس دادند. يك زن دیگر را هم گفت. گفتم این کیست؟ گفت این خواننده و یاقفلان کاره است و.... (جمهوری اسلامی - آبان) يك نماينده مجلس:
 ".... ما برای اینکه نشان دهیم امنیت اقتصادی وجود دارد، اموال صادره ای برخی افراد فاسد فراری را به آنها برگردانده ایم" (جمهوری اسلامی - آبان)

تنظیم بودجه در ج.ا.

بانکی سرپرست سازمان برنامه و بودجه " ما تا آنجا که توانستیم، زورمان رسیده و ذهنتیمان اجازه داده، طرحهایی ارایسه کردیم که حتی القدر و (استقراض و کسرو دجه) کم باشد. ولی برادران این را بدانید که ما در این مورد موفق نبودیم. به هیچ وجه من الوجوه نتوانستیم برای اینکه اقتصاد ما يك طراحی کلی می خواهد که در داخل آن بتوانیم بودجه سالانه را تنظیم کنیم که این بودجه با امکانات ما و فوق بدهد. ما آن سیاستهای کلی را هنوز طراحی نکردیم و در خلا زندگی می کنیم. بالنتیجه وقتی که می خواهیم کسرو دجه مان را صفر کنیم و استقراض مان را کم کنیم، با يك سری عدد درو بر و هستیم و با يك سری کارهایی که تعهد کردیم و باید بکنیم و همایش دیگری و مناقضات مختلف راجل کنیم. این هم نمی شود "

"بول خیلی هم فراوان داریم!"

نماینده ساری در مجلس:
 " در (مازنداران) نقاطی وجود دارد که من شرم می کنم در میان مردم آنجا حاضر شوم. بخاطر آنکه مردم آنجا خواسته هایی برای زنده ماندن دارند نه برای رفاه و آسایش و نه برای خوشگذرانی و ما خواسته های آنها را به هر مقامی منتقل می کنیم گاهی با يك کاغذ ما را به طرف دیگری محول می کنند و سرانجام نیز هیچ نتیجه ای نمی گیریم. بنده در طول این مدت ۶ ماهه به يك مقام مراجعه کرده ام که حرفش موثر باشد و اثر کند همه با اینجامتوسل می شوند که بودجه نیست و در حالیکه حجت الاسلام فرسجانی اخیرا در مجلس فرمودند که الحمد للمول خیلی هم فراوان داریم و بودجه فراوانی هم داریم. حال اگر بودجه فراوان داریم چرا روستایی آنطور با بدبختی و بیچارگی زندگی می کنند. " (کیهان - آبان)

چه کسانی سرکیشه می شوند

بانکی سرپرست سازمان برنامه و بودجه:
 " نیال نکنید که مالیات را از کسانی که پول دارند و پول درمی آورند گرفته می شود، نه، اتفاقا کسانی که پول ندارند و زیرکند و دست هستند و مهارشان دست دولت است از اینها مالیات گرفته می شود. " (کیهان - اول آبان)

رکاب زدن تا کربلا

موسوی امام جمعه هوا زد در دیدار...
 " آن ملتیی که هنرمندش (منظور ایشان از هنرمند و چرخه سوار است) خود دراد را اختیار آرمانهای مقدس انقلاب بگذارد آن ملت زنده است و.... همانطوریکه امام امت نیز فرموده اند از قدرتمندان و هنرمندان و افرادی که هنر خود را در اختیار اهداف مقدس انقلاب می گذارند، تجلیل شود. " و امیدوارم با آزادی کربلا

د و چرخه سواران کشورمان تا کربلا رکاب بزنند. " (کیهان - ۳۰ مهر)

حکامه "بازاریه"

ماهنامه "اقتصاد اسلامی"، ارگان جامعه انجمنهای اسلامی بازار تهران که زبان گویای "تجار محترم" است، در شماره هشتم مسال خود "شعر"ی از بک بازار ادیب (۱) به چاپ رسانده که در آن ضمن مدیحه سرایی در وصف بازار حاکمیت می خواهد حال کسدر خدمت کلان سرمایه داران و بازاری قرار گرفته است، جلوی هرگونه نیش زبان نسبت به بازار را بگیرد. این بازاری ادیب در "حکامه" خود از آنقلاب که "سرمایه داران" را "در چشم ملت، همچون هیولایی جازد" با عنوان "استاد دغل" نام می برد. ابیاتی از بافته های این بازاری "ادیب" را در زیر می آوریم:
 ز دوران پیمبر تا کنون نیکو زمانی بود
 برای کسب و کار مردمان بازاریابی بود
 به خاطر جمعی مردم، برای ماسرایی بود
 حریم زهد و تقوی و مکان باصفایی بود
 اصالت داشت من هم، نه جای حرف و انکار است
 کنون تیرامتها، هدف بر سق بازار است...
 من کاسب همیشه پشتوان امر حق هستم
 که سر بازار خلو داری، به کار انقلاب هستم
 به نهنگهای این کشور، من اول سهدار هستم
 کنون آمادها، ما هر چه بازاید، از این دستم
 کنون بازاریان در پشت جبهه سخت در کارند
 به همشان تدارک می کنند، از هر چه کد دارند...
 چو استاد دغل سنگ محک بر سکه مازد
 ترانتها پد بیرفت و مرا از امتحان و ازد
 مرا با آن اصلتهای دیرینه به سو دازد
 سپس در چشم ملت، چون هیولایی مرا جازد...
 اگر تو زبح کالا اشتباه بود، به کاسب چه
 اگر اجناس را د و لت گران کرده، به کاسب چه
 ثورم بهر استقراضی پد آید، به کاسب چه
 بگیرد دادگاهی محکرها را به کاسب چه
 دراذهان عمو می، کاسبان هم کارشان بازار است
 چرا با انکاران حساب اهل بازار است

کارنامه جمهوری اسلامی... بقه از صفحه ۵

عقاید پیشرو و مترقی، شرکت در مبارزه بر علیه رژیم شاه، شرکت در فعالیتهای صنعتی و سیاسی دانشجویی، هواداری از سازمانها و گروههای انقلابی و میهن پرست و عشق و علاقه به توده های زحمتکش تبری هستند، جو از ادامه تحصیل در دانشگاه را دریافت دارند.
 از دیدگاه حاکمیت ارتجاع، همه مردم مجرم هستند، مگر که عکس آن ثابت شود. دانشجویان نیز باید در دادگاه تفتیش عقایدی که تحت نام دادگاه ویژه دانشگاه "ساخته اند بیگناهی خود را ثابت کنند. تا بتوانند به تحصیل ادامه دهند. دکتر فاضل، وزیر جدید فرهنگ و آموزش عالی میگوید: "دانشگاهها و موسسات آموزش عالی کشور موظفند احکام صادره از سوی دادگاه انقلاب اسلامی ویژه دانشگاه را اجرا نموده و دانشجویان تحلیقی گذشته را در صورت ارایه حکم تیره از دادگاه مزبور" ثبت نام نمایند. ادامه دارد

جنبش ملی خلق کرد... بقه از صفحه ۳

این درمادگی، در پیش گرفته اند، گسترش پایگاههای نظامی است. منطقه اکنون و سیعاً میلیتاریزه شده است. بعنوان مثال، سپاه و ارتش، نهاد رخش بوکان، ۱۲۵ پایگاه نظامی ایجاد کرده اند. اگرچه توان رژیم، برای تمرکز قوای بیشتر در کردستان، بویژه به دلیل تداوم جنگ با عراق محدود و دست، اما به هیچ رو نباید آنرا دست کم گرفت. جمهوری اسلامی به مراتب مصمم تر از گذشته، خاموش ساختن جنبش مقاومت خلق کرد را در دستور کار خود قرار داده است و برای رسیدن به این هدف بلند، با ترکیه نیز به توافق رسیده است. ورو دارش ترکیه به منطقه کردستان ایران در شهر بیورماه فاکتور جدیدی را وارد کارزار نمود. این فاکتور نیز تحولاتی که در کردستان عراق، پیش آمده است را بایست در ارزیابی از وضعیت، با دقت، دخیل ساخت.

سر مقاله هفته نامه عصر جدید شماره ۴۳ - اکتبر ۸۴

اتحاد شوروی و خاور نزدیک

به لحاظ فعالیت‌های دیپلماتیک مسکو، می‌توانیم اکتبر را "ماه عربی" بنامیم. علی‌ناصر محمد، رئیس‌دولت جمهوری دیموکراتیک توده‌ای یمن، علی‌عبدالله صالح، رئیس‌جمهوری عربی یمن و نیز حافظ اسد، رئیس‌جمهور سوریه به پایتخت کشورها سفر کردند و با کنستانتین چرنکوف سیرسیاستمداران طراز اول شوروی ملاقات نمودند. در این میان، یک کشور عربی دیگر مناسبات خود با اتحاد شوروی را از طریق یک قرارداد دوستی و همکاری، مستحکم نمود. نهم اکتبر کرملین، چنین قرارداد را با جمهوری عربی یمن به امضا رسانید.

این قرارداد مانند قرارداد های دیگری که در گذشته با کشورهای عربی، از جمله جمهوری دیموکراتیک توده‌ای یمن و سوریه، بسته شد، در خدمت دوستی میان ملل ما و همکاری برای صلح و امنیت بین‌المللی، بویژه در خاور نزدیک قرار دارد. هیچ‌یک از این اسناد، حتی یک نکته نیز که به منافعی لطمه زده و یا علیه کشور ثالثی باشد، در بر ندارد.

اعراب می‌توانند بادی‌ن نمودن مناسب‌ت‌ها و دست‌ان و برابری اتحاد شوروی با کشورهای که سران آنها در ماه اکتبر مسکو بازدید کردند، مطمئن شوند که کشور ما به دنبال دستیابی به هیچ‌گونه برتری سیاسی، اقتصادی یا نظامی در خاور نزدیک نیست. هر جا واشنگتن نگران "منافعیات" برتری طلبانه خود است، مسکو از منافعی حیاتی و حقوق واقعی ملل خاور نزدیک دفاع می‌کند.

کنستانتین چرنکوفی ضیافتی به افتخار عبداللہ صالح، رئیس‌جمهوری عربی یمن تأکید کرد: "ما جانب اعراب را می‌گیریم زیرا آنها برای یک امریه حق، برای دفاع از استقلال و حاکمیت خود مبارزه می‌کنند."

چه تفاوت عمیقی میان این موضع‌گیری و اتحاد استراتژیک آمریکا-اسرائیل، که علیه اتحاد شوروی، علیه کل اردوگاه سوسیالیست بر علیه منافعی خلق‌های عرب می‌باشد، وجود دارد. خاور نزدیک، سالها، بلکه ده‌ها سال است که کانون خطرناک بحرانها و درگیری‌های خونین به شمار می‌رود. علت اصلی این امر، تلاش واشنگتن برای درآوردن این منطقه بزرگ، به زیر نفوذ نو استعماری خود، از یک سو، و مشی تجار و کارانه و ضد عربی صهیونیست‌های تل‌آویو، متحد استراتژیک آمریکا، از سوی دیگر است. آنها در راه تحقق اهداف ننگینشان، از به کارگرفتن هیچ حربه‌ای امان ندارند. آمپولهای اضافی دلار که واشنگتن این روزها قول آن را به نخست

وزیر جدید اسرائیل داد، با هم تنها اهداف پشتیبانی از این توسعه طلبی اسرائیل را دنبال می‌کند.

با توجه به این اوضاع پیچیده، مقابله موثر با نقشه‌های کشورگشایانه اسرائیل و فشار برتری طلبی آمریکا مستلزم عمل مشترک کشورهای عربی و اتحاد مستحکم ملل آنهاست. تفرقه بین پایتخت‌های عربی و در میان تک‌تک گروه‌های جنبش‌هایی بخش‌هایی، تنها به سود نیروهای ضد عربی است.

بیرون آوردن خاور نزدیک از وضعیت دایمی خون‌ریزی و تشنج، این است. هدف پیشنهاد های معروف شوروی در باره خاور نزدیک که ۲۹ ژوئن اس سال ارایه گشت، این پیشنهادها، عملاً با اصولی که در سپتامبر ۱۹۸۲ از سوی اجلاس سران عرب در فاس (مراکش) تصویب شد، مطابقت دارد. هیچ دسیسه و هیچ قرارداد جداگانه‌ای صلح را برای خاور نزدیک به ارمغان نیاورده و نخواهد آورد.

صلح دائمی و عادلانه در خاور نزدیک تنها می‌تواند از طریق یک راه حل همه جانبه تحقق یابد که برای همه دولت‌ها و ملت‌های این منطقه حق امنیت و موجودیت مستقل را به رسمیت بشناسد. اتحاد شوروی عمیقاً اعتقاد دارد که راه اصلی نیل به این هدف، از تلاش‌های جمعی همه طرف‌های ذینفع و فراخواندن هر چه زودتر یک کنفرانس بین‌المللی در باره مساله خاور نزدیک با شرکت حتمی سا قیما به طرف متساوی‌الحقوق، می‌گذرد. امروز، موضع‌گیری در برابر این پیشنهاد، که عملاً از سوی همه دولت‌های

عربی مورد استقبال قرار گرفته، نوعی معیار برای تشخیص نیت واقعی حکومتها در رابطه با حل مسالمت‌آمیز بحران طولانی خاور نزدیک است.

اتحاد شوروی فعالانه و پیگیرانه در این راستا تلاش می‌کند. ملاقات‌هایی که در ماه اکتبر در مسکو با دولتمردان نامی عربی انجام گرفت، نشان دیگری از این امر است. بطور بسیار خلاصه، هدف سیاست شوروی در خاور نزدیک در فراخوان کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در باره شصت و هفتین سالگرد قریب الوقوع انقلاب کبیراکتبر، چنین تریسیم شده است:

"خلق‌های کشورهای عربی! صفو ف خود را در مبارزه علیه تجاوز اسرائیل و زورگویی امپریالیسم فشرده ترسانید! مستحکم بساد و دوستی شوروی - اعراب!"

بعد از صفحه ۷

بلوچستان: یک تصویر، یک گزارش

قدیمی منطقه است. اما بسیج این کارراه‌هم خلاف شرع تشخیص داد. گویی ترنم دهل خاطره پرشکوهِ انقلاب را به همراه می‌آورد.

اکنون ده به ده رادرجستجوی دهل روستاییان کاوش کرده و دهل‌های یافته شده را می‌شکنند.

دهل زنی با شستشو در آب قنوت، با ضوابط جمهوری اسلامی سازگار نیست و باید منع شود. اما اینکه فوج حمام ندارد، پرشک ندارد، برق ندارد، آب آشامیدنی آن همان آب آلوده نهرهاست، درست منطبق با ضوابط این رژیم است و جایی برای اعتراض باقی نمی‌گذارد. فوج هم مثل همه روستاهای اطراف به کلی فاقد هرگونه امکانات درمانی است. هفته‌ای یک بار شخصی که روستاییان او را دکتری نامند، از دوردست به اینجای آید و ساعاتی رادرفنویج می‌ماند. همه امکانات پزشکی منطقه و سیخ فوج به همین یک نفر منحصر می‌شود.

عطف توجه مسئولین استان به فوج به اعزام نفرات بسیج و یابازگرداندن خوانین محود و ندانده است. بسیج که بیکار نمی‌ماند، بگیرو بیندرا می‌اندازد. دستگیرشدگان را باید محاکمه کرد. پس قاضی شرع لازم است. به دنبال کسی که بتواند این منصب را اشغال کند، بالا و پایین منطقه را گشتند، تا بالاخره شخصی را پیدا کردند به نام سید عبدالرحمن قریشی. او علاوه بر اشعار عربی، مدیحه‌هایی هم در تجلیل شاه منقور از نیرو دو به عنوان مداح رژیم سابق شهرتی به هم زده بود. مردم او را ساواکسی می‌نامیدند. برای رژیم جمهوری اسلامی کسی شایسته تر از او پیدا نمی‌شد. او را حاکم شرع فوج کردند و زندانیان و منعمین راد را اختیارش قرار دادند.

اما این سید، معتاد و تریاکی است. آمده و نیامده برای تأمین مخارج منقل، رشوه خواری را آغاز کرد. رشوه‌ای که از یک زن فقیر، در ازای رفع اتهام گرفته بود، در منطقه سر و صدا به پا کرد. این زن بلوچ را با بیهانه‌های اخلاقی تحت پیگرد قرار داده بودند. مردم فوج که از این حاکم شرع رسوایی‌زور بودند، با استفاده از این فرصت به مقامات ایرانشهر شکایات بردند تا شمر او را از سرشان کم نمایند. اما سید، بهتر از مردم زبان مسئولین رژیم جمهوری اسلامی را بلد بود. با پرداخت رشوه پرونده این رشوه‌خواری آشکارا بایگانی کرد. این دزد بی‌آبرو، اکنون علاوه بر سرست‌پیشین، هفته‌ای یک بار در رادیو و تلویزیون ایرانشهر، درس اخلاق و فضیلت می‌دهد.

بگذار سید عبدالرحمن، مفتی و محمد عمر خان، محتسب رژیم باشد، پرازنده اوست، مردم فوج راه خود را می‌روند. افاق نمی‌تواند برای همیشه تیره بماند. سرخی سحرگاه پدید آرمی شود.

درسوگ مبارز بزرگ راه صلح و دموکراسی

ایندیرا گاندی: هر قطره خون من، ملت مرا قویتر خواهد کرد



گاندی در مقام ریاست جنبش غیر متعهد هسنا که از مارس ۱۹۸۳ عهده دار آن بود چهار بر جسته ای در مبارزه جهانی علیه محافل جنگ افروز و تجاوز کار امپریالیستی، بی هیزه در واشنگتن، به شمار می رفت. اواخر ماه مه سال جاری میلادی، ایندیرا گاندی با توافق پنج تن از روسای کشورهای گوناگون از چهار قاره، پیشنهادی در مورد صلح و خلع سلاح جهانی ارائه نمود که هسته اصلی آن، انعقاد فوری صلح تولید و استقرار سلاحهای اتمی است. این پیشنهاد، مورد استقبال اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی قرار گرفت.

از آغاز جنگ خانمانسوز ایران و عراق خانم گاندی چه به عنوان نخست وزیر هند و چه در مقام ریاست جنبش عدم تعهد، کوششهای زیادی به منظور پایان دادن به این درگیری خونین انجام داد. در دو سال اخیر که حکومت جمهوری اسلامی علیرغم منافع ملی مردم ما و بدون احساس مسئولیت در قبال سبب خطر افتادن صلح و امنیت منطقه، سرسختانه به جنگ با عراق ادامه داده است، خانم گاندی بارها خواهان قطع جنگ، برقراری آتش بس و حل و فصل مسایل فیما بین از طریق مذاکرات گردید. در جریان برگزاری شصتین اجلاس سران غیر متعهد ها در دهلی نوس نیز، بانو گاندی در این مورد اقدام نمود.

اما هر بار، حکام جمهوری اسلامی اینکار صلح رهبر جنبش عدم تعهد را رد کردند. دستگامهای تبلیغاتی حکومت ایران از این نیز فراتر رفته و همگام با رسانه های گروهی امپریالیستی، در کارزار ضد هندی و پراکندن تهمت و افترا علیه خانم گاندی و دولت هند و شرکت جستند.

روابط نزدیک هند با جمهوری دموکراتیک افغانستان، جمهوری سوسیالیستی ویتنام و سایر کشورهای سوسیالیستی و انقلابی، موضعگیری قاطع هند در مبارزه علیه صهیونیسم و نژاد پرستی و مقابله این کشور با مفسد ه جویهای نظامی امپریالیسم آمریکا و دست نشاندهان آن، نظیر حکام ارتجاعی پاکستان، همگی تا حد زیادی مرهون وجود شخصیت برجسته صلحدوست و آزاد یخواهی مانند ایندیرا گاندی در هند است.

طبیعی است که چنین اقدامات و موضع گیریهایی، از سوی امپریالیسم آمریکایی جواب نمی ماند. آمریکا که استقلال و وحدت کشور بزرگ هند، مخاری در چشم آن و مانع عمده ای در راه تحقق نقشه های ماجراجویانه آن در منطقه جنوب آسیا است، از ضیاع الحاق دیکتاتور پاکستان و رژیم او، نه تنها در جنگ اعلان نشد بلکه افغانستان انقلابی، بلکه در انجام تحریکات علیه

صبح روز چهارشنبه نهم آبان، ایندیرا گاندی، نخست وزیر هند و مبارز بزرگ صلح استقلال و دموکراسی، هدف گلوله دشمنان وحدت و استقلال کشورش قرار گرفت و اندکی بعد در بیمارستان درگذشت. مرگ نابینگام ایندیرا گاندی، دختر جوان هر لعل نهر و نخستین نخست وزیر هند، مستقل، بشریت صلحدوست و آزاد یخواه را در سراسر جهان به سوگ شخصیت بزرگی نشاند که خدمات بزرگ او نه تنها به استقلال و پیشرفت میهن پهنان و رش، که به تقویت تشنگ زدایی و مبارزه در راه خلع سلاح جهانی، به انسجام و یکپارچگی صفوف د ولتهای نو استقلال در مقابل سوسیالیسم تجار کار، تحسین همه جهانیان را برانگیخت.

ایندیرا گاندی در سال ۱۹۱۷ بدینا آمد. وی از دوران کودکی و نوجوانی، با مبارزات پدرش علیه استعمار فرانسوی بریتانیا آشنا و در راه استقلال هند آشنا شد. ایندیرا نیز راه پدرش را برگزید و بر بستر مبارزات استقلال طلبانه و آزاد یخواهانه مردم هند، از جوانی لعل نهر، عشق به میهن و مردم آن، احترام عمیق به اتحاد شوروی، نخستین دز سوسیالیسم در جهان و اراده راسخ به مبارزه با امپریالیسم را آموخت.

ایندیرا گاندی پس از آنکه چند سال در کابینه هند عهده دار وزارت اطلاعات بود، در سال ۱۹۶۷ پس از مرگ شستری، جانشین نهر و به نخست وزیری کشورش برگزیده شد. از آن پس، وی به غیر از یک دوره سه ساله از ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۰، ریاست دولت هند را بر عهده داشت.

در دوران نخست وزیری خانم گاندی هند علیرغم مشکلات و تناقضات در عرصه سیاستهای داخلی و اقتصادی، گامهای بزرگی در راه ایجاد شانوده های اقتصاد ملی و مستقل خود برداشت. ایجاد رشته های مهم صنعتی مانند ذوب آهن و ماشین سازی از این جمله است. هند در تمام کوششهای خود به منظور پیشرفت اقتصادی از کمکهای بی دریغ اتحاد شوروی برخوردار گردیده است. میان اتحاد شوروی و هند، قرارداد دوستی و همکاری وجود دارد و همکاریهای اقتصادی و علمی - فنی گسترده ای انجام میگردد. یک مظهر این همکاریها، برنامه مشترک فضایی است که در چارچوب آن، یک فضا نورد هندی در ماهوریت کیهانی یک سفینه شوروی شرکت جست.

در عرصه سیاست خارجی، دولت هند به رهبری ایندیرا گاندی به عنوان عامل مهم ثبات و حفظ صلح در منطقه جنوب آسیا و اقیانوس هند شناخته شد. شخص ایندیرا

استقلال و تمامیت هند نیز استفاده می کند. آخرین نمونسه اینگونه توطئه ها، بلوایی بود که توسط افراطیون "سیک" و با حمایت سیای آمریکا، در ایالت پنجاب هند برپا شد. استفاده از احساسات افراطی ناسیونالیستی و اختلافات قومی و مذهبی، همیشه یکی از حربه های عمده امپریالیسم برای استقرار حاکمیت خود بر خلقهای تحت ستم بوده است. امپریالیسم خود بر خلقهای راستا، از نقاط ضعف و ولتهای نو استقلال در برخورد به مساله ملی نیز سود می جوید. اما توطئه ای که اوایل تابستان امسال در "امریکار" و سایر نقاط ایالات پنجاب به اجرا گذاشته شد، یک دسیسه آشکاره منظوری بود که به انسجام و یکپارچگی هند و تضعیف مواضع ضد امپریالیستی آن بود. دولت خانم گاندی، با این توطئه، قاطعانه به مقابله برخاست و افراطیون را به سر جای خود نشاند.

آنگو نکه بعدا، اسناد انکارناپذیر نشان داد، سران توطئه در ارتباط مستقیم با سازمان "سیا" و دولت پاکستان بودند. آنها پس از سرکوب توطئه، به اربابان خود قول دادند انتقام این شکست را خواهند گرفت. و اینک، به خیال خود چنین کرده اند.

اما ایندیرا گاندی کسی نبود که از نظری که جانش را تهدید می کرد، بی خبر باشد. او مرگ در راه حفظ استقلال و وحدت کشورش را افتخاری بزرگ می دانست، و به این افتخار نایل شد. تنها چند روز پیش از مرگش، ایندیرا گاندی در پاسخ این پرسش که آیا نگران جان خود نیست، گفت: "هم اینک اگر کشته شوم، هر قطره خون من ملت را قویتر خواهد کرد." و افزود اگر کسی بصمیمیتش خدمت کند، مهم نیست که در ستم و یا ایستاده بماند. ایندیرا گاندی در مصاحبه با رسانه های گروهی آلمان دمکراتیک، که در روز پیش از مرگش انتشار یافت، اظهار داشت کارزار ضد هندی ای که افراد غیر هندی آن را تشویق می کنند، "اخیرا شدت زیادی یافته است". هر چند خود وی قربانی این کارزار جانیگارانسه شد، اما بدون تردید مردم صلح دوست و ستم ترقیخواه هند، راه او را ادامه خواهند داد.

رویدادهای جهان



پیام رهبری شوروی به مناسبت درگذشت ایندیرا گاندی

کستانتین چرنکو، دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی طی پیامی به راجیف گاندی، دبیرکل گنگره سراسری حزب گنگره ملی هند، درگذشت بانو ایندیرا گاندی بر اثر سوختن جنايتکارانه را تسليت گفت. در پیام چرنکو آمده است مردم شوروی با غم و اندوه فراوانی خبر درگذشت ناپهنگام بانو ایندیرا گاندی، شخصیت برجسته دولتی و اجتماعی را دریافت کردند. رهبر شوروی افزود بانو ایندیرا گاندی، مبارز پرشور راه صلح بود و کوششهای زیادی برای تأمین تفرقی و پیشرفت هند وستان در همه رشته‌ها و بپسرای تقویت موقعیت و مواضع این کشور در صحنه جهانی، به عمل آورد. در ادامه پیام کستانتین چرنکو، خاطر نشان گردیده است بانو ایندیرا گاندی، برای تقویت دوستی و توسعه همکاری همه جانبه با اتحاد شوروی اهمیت زیادی قائل بود. دبیرکل حزب کمونیست شوروی افزود در این روزهای ماتم و سوگواری، رهبری شوروی باز هم تمایل دائمی اتحاد شوروی به تقویت مناسبات دوستانه با هند وستان را مورد تأکید قرار می‌دهد.

همچنین هیئت‌رئیس شورای عالی شوروی و وزیران اتحاد شوروی پیامی خطاب به رئیس‌جمهور هند فرستاده و در آن متذکر گردیدند مردم شوروی با خشم و انزجار بسر چهره تنبهاران و حامیان نشان داغ‌نگ می‌زنند. در این پیام، مراتب تسلیت و همدردی عمیق با مردم و دولت هند وستان ابراز شده است. نیکلای تیخونوف نخست‌وزیر اتحاد شوروی در راس هیئتی برای شرکت در مراسم سوگواری برای ایندیرا گاندی، وارد دهلی نو گردید. در مسکو کستانتین چرنکو و سایر رهبران شوروی به سفارت هند رفته و دفتر یادبود برای نخست‌وزیر فقید این کشور را امضا کردند. روزنامه شوروی پرودا در مقاله‌ای به مناسبت درگذشت ایندیرا گاندی، نوشته است مناقح اساسی ملی هند، همکاری مستحکم با اتحاد شوروی را ایجاب می‌کند. پرودا می‌افزاید ایندیرا گاندی، به اتحاد شوروی به مثابه متحد وفاداری در مبارزه برای صلح و ترقی اجتماعی می‌نگریست.

هند وستان به مناسبت درگذشت بانو ایندیرا گاندی در ماتمی عمیق فرو رفته است. در کشور، عزای عمومی اعلام شده است. قرار است روز سوم نوامبر، مراسم سپردن جنازه برگزار گردد. نمایندگان احزاب و محافل اجتماعی، تنبھکاری و حشیانه نیروهای ارتجاعی را کسسه

تلاش می‌کنند به وحدت و تمامیت ارضی هند وستان لطمه بزنند، محکوم می‌کنند در جلسه فوق‌العاده دولت راجیف گاندی، شخصیت سیاسی و فرزند ایندیرا گاندی به مقام نخست‌وزیری انتخاب شد. نخست‌وزیر جدید، طی پیامی به مردم که از رادپوتلوویزیون پخش گردید گفت راه ایندیرا گاندی کسسه آرزوی مردم هند وستان شوروی واحد و صلح جو و شکوفا باشد ادامه دارد و مردم هند بایستد آن را به انجام برسانند. کابینه در جلسه اول خود به ریاست راجیف گاندی مردم کشور را به حفظ صلح و تأمین همبستگی میان جوامع مذهبی و وحدت ملی دعوت کرد.

صدها هزار نفر از مردم هند وستان که از سراسر کشور و از شهرها و روستاهای دور دست به دهلی نو آمده‌اند، در صفی چندین کیلومتری به جنازه ایندیرا گاندی کسسه در ساختمانی در دهلی نو نگهداری می‌شود. ادای احترام می‌کنند. نخست‌وزیر جدید، تلگرامهای زیادی از سراسر دنیا به حمایت از دولت خود دریافت داشته است.

به گزارش روزنامه "نشنال هوراگانهای امنیتی هند امکان ارتباط جنایتکارانه کسسه توسطه سوختن به خانم گاندی را اجرا کردند، با خارج از کشور امنیتی نمی‌دانند. یکی از عوامل سوختن که در بیمارستان بستری است، اعتراف کرده است که در توسطه سوختن به خانم گاندی، افراد زیادی شرکت داشته‌اند.

اجلاس شورای همیاری اقتصادی

اجلاس شورای همیاری اقتصادی در سطح رؤسای دولتها در هاوانا پایتخت کوبا پایان یافت. ده کشور سوسیالیستی اروپا، آسیا و آمریکا عضو این سازمان هستند. در این گرد همائی، مسئله تالیق برنامه‌های پیشرفت اقتصاد ملی کشورهای برادر در دوره از سال ۱۹۸۶ تا سال ۱۹۹۰ مورد بررسی قرار گرفت. تدوین برنامه جامع پیشرفت علمی و فنی کشورهای عضو شوروی برای مدت ۱۵ الی ۲۰ سال آغاز گردید و همچنین توافق در باره ساختمان مشترک واحدهای بزرگ اقتصادی حاصل شد. قرار است اجلاس آینده شورای همیاری اقتصادی سال آینده در ورشو برپا گردد.

فیدل کاسترو رهبر کوبا و نیکلای تیخونوف نخست‌وزیر شوروی که در رأس هیات نمایندگی شوروی در اجلاس شورای همیاری اقتصادی شرکت داشت، در هاوانا دیدار و گفتگو کرده و برنامه دراز مدت گسترش همکاری اقتصادی، علمی و فنی شوروی و کوبا تا سال ۲۰۰۰ را امضا نمودند.

پلنوم کمیته مرکزی حزب متحد کارگران لهستان

پلنوم کمیته مرکزی حزب متحد کارگران لهستان در ورشو برگزار شد. ویسخ یارولسکی،

دبیر اول حزب در این اجلاس گفت نه یورش آشکار و نه حملات ناچوانمردانه و استتار شده، در این واقعیت که در لهستان، کفرترازو به سود نیروهای سوسیالیستی سنگینی می‌کند، تغییری نمی‌دهد. وی افزود امسال برای نخستین بار در لهستان تولید اقتصادی از حد و تعیین شده در برنامه فراتر خواهد رفت.

رهبر لهستان گفت از وزن نیروهای ضد سوسیالیستی کاسته شده، اما نفوذ آنان همچنان خطرناک است. یارولسکی در مورد ربودن و قتل کشیش "پوپیلو شکو" که اخیراً صورت گرفت، اظهار داشت: "آنها (دشمنان سوسیالیسم) از هر موقعیتی استفاده می‌کنند. اینک آنها به یک مفسده جویی متوسل شده‌اند که مردم را شدیداً تکان داده است. مادر این مورد موضع صادقانه و روشنی گرفته‌ام. و افزود: "ضد انقلابیون با استفاده از زخمه و سایلی می‌کوشند افراد ساده دل را تحریک و تحمیق کنند."

انتخابات در نیکاراگوئه

در ماناگوا پایتخت نیکاراگوئه راهیامی چندین هزار نفری به پشتیبانی از نامزدهای جبهه آزاد بیخشم ملی ساندینیست در انتخاباتی که قرار است روز یکشنبه چهارم نوامبر برگزار شود برپا گردید.

برگزاری این انتخابات از یک سال پیش با مقاومت محافل ارتجاعی در داخل و خارج از نیکاراگوئه که تحت حمایت امپریالیسم آمریکا قرار دارند، روبرو بوده است. اتحادیه کارفرمایان نیکاراگوئه و احزاب دست راستی این کشور، انتخابات را تحریم کرده‌اند. احزاب آزاد بیخشم ملی ساندینیست، حزب سوسیالیست (پیرو سوسیالیسم علمی)، حزب کمونیست نیکاراگوئه که با مواضع چپ روانه از حزب سوسیالیست انشعاب نمود، جنبش اقدام



یک زن نیکاراگوئه‌ای در حال نصب پوستر انتخاباتی است. مردمی که هنگام تاسیس آن در سال ۱۹۷۲ پیرو مواضع ماوئیستی بوده، حزب سوسیال مسیحی مردم که بعنوان جناح چپ سوسیال مسیحی از آن جدا شد، حزب مستقل لیبرال کسسه در سال ۱۹۴۴ از حزب لیبرال سومورا انشعاب کرد و "حزب دمکرات محافظه کار" که در سال ۱۹۵۶ از درون حزب محافظه کار پشتیبان سومورا را تشکیل گردید.



دلایل! اخراج

د رکارخانه ایران لنت ، مدیریت تصمیم به اخراج یکی از کارگران گرفته بود . در اعتراض به این تصمیم ، در تاریخ ۱۳ مرداد ، حدود ۱۵۰ کارگر این کارخانه در نماهنگی از طرف مدیریت ، اعضا انجمن اسلامی کارخانه در اجتماع کارگران حاضر شده و از این تصمیم دفاع می کنند . انجمن اسلامی کارخانه که چشم و گوش مدیریت است ، در همین حال عنوان شورای کارکنان راهم بدک می کشد . در این جلسه نماینده انجمن ، پس از موعظه هایی در ساراه ضرورت افزایش تولید و نظم و انضباط در محیط کار اعلام داشت که پیش از تصمیم به اخراج ، پرونده و سوابق این کارگر به وقت بررسی گردید و معلوم شد که او در سال ۵۵ يك بار در ساعت کار خوابیده بود . در سال ۵۸ هم در کارخانه دعوا او را انداخته بود . پس تصمیم به اخراج کاملاً درست بود و جای اعتراض نیست . کارگران این " دلایل " مبتدل را رد کرده و با قاطعیت از این کارگری پشتیبانی نمودند . کارگران خشم خود را با تکرار شعار " حیدر حیدر " بیان می کردند . در برابر قاطعیت کارگران ، هیات مدیره و انجمن اسلامی عقب نشینی کرده و تصمیم اخراج ، معلق می ماند .

چگونه دیوار توهم فرو می ریزد

د رکارخانه جواهریان ، از بدتها قبل میان کارگران و کارفرما درگیری وجود داشت . کارگران در برابر جفا قات کارفرما سر تسلیم فرود نمی آوردند و مقاومت می کردند . آقای جواهریان ، صاحب کارخانه ، برای درهم شکستن مقاومت کارگران چند ماه قبل ، پنج تن از آنها را از کارخانه اخراج نمود . اخراج شدگان از جمله قلیل کارگرانی بودند که هنوز نسبت به حکومت موهم بوده و از آن پشتیبانی می کردند . یکی از آنها چندی قبل از اخراج ، از حضور در او طلبانه در جبهه های جنگ بازگشته بود و یکی دیگر از این پنج نفر ، عضو هیات حل اختلاف (مورد تایید وزارت کار) بود . اخراج شدگان با توجه به توهمی که نسبت به ارگانهای حکومتی داشتند ، گمان می کردند مراجعه به این ارگانها برای کسب حقوق پایمال شده کافی خواهد بود . از این سروسو و پاری به هیات حل اختلاف منطقه ، ادار کار ، بخش کارگری نخست ویری ، خانه کارگرو ... شکایت کردند اما در کمال ناباوری مشاهده نمودند هیچیک از آنها حتی جرات ندارند کلامی بر علیه

کارفرما سخن بگویند . حتی هیات حل اختلافی که یکی از کارگران اخراجی عنوان بود نتوانست به زبان کارفرمای دهد . در خانه کارگری می از مستولین آنجا خطاب به کارگران اخراجی بسا پرخاش می گوید شما اخلاک و کم کار بودید . پس از اینکه روشن شد که شکایت بسا ارگانهای دولتی نتیجه ندارد ، این پنج نفر تصمیم گرفتند برای جذب رضایت کارفرما با او گفتگو کنند . به همین منظور به منزل او در شمال شهر مراجعه کردند . پس کارفرما در همان بیرون منزل با اهانت آنها را می راند . در برابر اصرار کارگران برای ملاقات و گفتگو پسر جو اهریان ، با تلفن نفرت کیمت را خیر می کند . افراد کیمت بلافاصله به محل آمده و کارگران را دستگیر و با خود بسا کیمت بردند . رئیس کیمت به محض ورود پرسیدن با این کارگران ، شدید آنان را مورد فحاشی قرار داد و در همان محل کیمت زندانی نمود . کارگران با مشکلات بسیار موق شدند که پس از چند ساعت از بازداشتگاه کیمت رهایی یابند .

پس از این رخداد ، دیوار توهم نسبت به اهداف حکومت در برابرشان فرو می ریزد و این کارگران نیز درمی یابند که رژیم جمهوری اسلامی نو کسر مایه داران است و باینکه بر نیروی متحد کارگران می توان به مطالبات حق خود دست یافت . کارگران این کارخانه با مضاطو ماری از اخراج شدگان حمایت کردند . این طومار را سصد کارگر یعنی تقریباً همه کارگران کارخانه مضا کردند .

خان بزرگ و دادگاه انقلاب

عزت الله خان بیات ، فتو دال بزرگ شهرستان اراک می باشد . او که پس از انقلاب از ایران خارج شده بود ، پس از قبضه قدرت حکومت توسط مرتجعین ، به کشور بازگشت . این فتو دال ، در همان بدو و رود کاخ بزرگ خود دراد رستم آباد تهران (که پس از انقلاب مصادره شده بود) پس گرفت . این کاخ که به " گلزار بیات " شهرت دارد ، در باقی بسا وسعت ده هزار متر مربع بنا شده است . روستای سعید آباد اراک از جمله املاک سابق اوست . زمینهای این روستا نیز پس از انقلاب توسط دهقانان مصادره شده بود . دادگاه انقلاب اراک ، در ازاء تایید این مصادره دهقانان را به پرداخت سالانه ۳۶ هزار تومان بابت اجاره را داساخته بود . عزت الله خان اخیراً دادگاه انقلاب اراک خراست تا ترتیب تحویل روستای سعید آباد را به مباشرین او بدهد . برای انجام این کار نماینده " دادگاه انقلاب " اراک ، در تهران به حضور خان رسید و به او گفت : ملک سعید آباد مال شماست و توسط ما مصادره نشده بود . در غیاب شما آنرا برایتان نگهداری کرده ایم و اجاره سالانه ۳۶ هزار تومان را جمع آوری کرده و تقدیم خواهیم نمود .

کودکان را از مدرسه می رانند
تاتنور جنگ شعله ور بماند

د شهر ریابل با شروع سال تحصیلی جدید والدین کودکان ۶ ساله مشاهده نمودند که بسا خلاف گذشته ، مدیران مدارس از بدتها کانشا برای حضور در کلاسهای آمادگی سربازی رزند . با توجه به اینکه در تابستان برای این کودکان ثبت نام صورت گرفته بود ، این اقدام غافلگیر کننده بود . با اعتراض تند والدین مواجعه گردید . در پاسخ به اعتراض آنان ، گفته شد که این تصمیم مطابق بختنامه و وزارت آموزش و پرورش و بخاطر کسر بودجه صورت گرفته است . گروهی از والدین اطفال ، در اعتراض به این تصمیم خود سرتانه به طرف اداره آموزش و پرورش حرکت کردند و در آنجا خواهان مذاکره با رئیس این اداره شدند . طبق معمول قبل از هر کس نفرت سپاه پاسداران وارد شده و کوشیدند خانواده های معترض را پراکنده نمایند . اما آنان با ایستادگی ، رئیس اداره آموزش و پرورش را واداره مذاکره نمودند . در برابر اعتراض تند و مستدل اجتماع کنندگان ، به آنان قول داده شد که پس از بررسی امردر آن تجدید نظر صورت خواهد گرفت . با پراکنده شدن معترضین پس از چندی پاسخ داده شد که با د ایرشدن کلاسهای آمادگی مو اقبست می شود به شرطی که همه هزینه های آن را اولیا ، کودکان بپردازند ! ! به این ترتیب کودکانی را که با انهمه شو رواشتیاق روانه مدرسه شده بودند در کوجه هاسرگردان رها کردند ، تا بوجه برای جنگ تامین شود .

هزینه چاپ این شماره "اکثريت" را

رفقای فدایی در هندوستان

تأمین کردند

AKSARIYAT

NO 31

MONDAY NOV. 5, 84

- آدرس: ALMAN FEDERAL POSTFACH 23007 6500 MAINZ 23 W. GERMANY
- انگلستان: P.O. BOX 101 LONDON N17 6YU ENGLAND
- ایالات متحده: P.O. BOX 88156 LOS ANGELES, CA 90068 USA
- ایتالیا: C.P. 3125 00122 OSTIA LIDO (ROMA) ITALY
- هندوستان: P.O. BOX NO 3018 NEW DELHI - 110003 INDIA

مروگ بو امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا!